فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۷

مطالعه تطبیقی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در ایران و انگلستان از منظر اصول دادرسی عادلانه[۱]

مختار محمدی[۲]، محمد راسخ[۳]، اسدالله یاوری[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲

چکیده

دادرسی انضباطی یکی از حوزه‌های نوین دادرسی است که همانند سایر حوزه‌های دادرسی، عادلانه بودن آن امر مهمی است که نیازمند استانداردهای خاص رسیدگی منطبق با اصول دادرسی عادلانه مستخرج از اسناد حقوق بشری است. این اصول ناظر بر مراحل چهارگانه دادرسی؛ دعاوی انضباطی، یعنی شروع (تشکیل) پرونده، رسیدگی به پرونده، تصمیم‌گیری در مورد پرونده و مرحله بعد از تصمیم‌گیری و صدور رأی می‌باشد. بر همین اساس، این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش است که در مقررات رسیدگی به تخلفات اداری ایران و انگلیس، اصول دادرسی عادلانه به چه میزان رعایت شده است؟ برای این منظور، وجه ماهوی (مقررات) رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان ایران و انگلیس از منظر اصول دادرسی عادلانه به عنوان استانداردهای خاص دادرسی عادلانه حاکم بر مراحل چهارگانه فوق، با استفاده از روش تحلیل محتوا و استنباط از متون حقوقی مربوط، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش گویای این واقعیت است که اصول یادشده در حوزه مقررات رسیدگی به تخلفات اداری دو کشور، به شکل و میزانی متفاوت، تأمین شده است، به نحوی که در ایران بر خلاف انگلیس، سازوکار رسیدگی به تخلفات اداری، اگر چه در مواردی با اصول دادرسی عادلانه منطبق است، با این حال اسناد حقوق بشری حاوی این اصول، مورد استناد قرار نگرفته است و ابتنای عمل مراجع نظارتی ذیربط نیز بر این اسناد نیست.

واژگان کلیدی: تخلفات اداری، دادرسی انضباطی، اصول دادرسی عادلانه

---

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته حقوق عمومی با همین عنوان است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m_yas2006@yahoo.com

۳. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): Rasekh.m@gmail.com

٤. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی ، تهران، ایران. yavariamir@hotmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مقدمه

نظام اداری هر کشور به مثابه یکی از مظاهر حیات مدرن، متشکل از اجزایی همچون منابع انسانی، سازماندهی و تشکیلات، نظام‌ها و روش‌ها و رویه‌ها، قوانین و مقررات و امکانات و منابع (منابع فیزیکی و مالی) است. در این بین، امر رسیدگی به تخلفات اداری یکی از موضوعات مهم چنین نظامی است تا جایی که هیچ نظام اداری را بدون اینکه بخشی از حوزه قوانین و مقررات آن به نحوه تعیین تکلیف مستخدمین خاطی اختصاص داشته باشد، نمی‌توان طراحی کرد. از سوی دیگر، عادلانه بودن رسیدگی به تخلفات اداری امر بسیار مهمی است که در تدوین و تصویب مقررات انضباطی باید مدنظر قرار گیرد که لازمه آن رعایت اصول دادرسی عادلانه است.

با وجود اینکه سابقه عادلانه بودن رسیدگی را می‌توان در عصر قدیم جستجو کرد، لکن این اصول که از آن‌ها به عنوان حق‌های رویه‌ای یاد می‌شود، در دنیای قدیم شناخته شده نبودند و به عنوان حق در معنای حق ادعایی آن در مقابل تکلیف دولت‌ها به تأمین این حقوق، امر جدیدی است. بر همین اساس، اصول دادرسی عادلانه که به دلیل ورود به حقوق کیفری و مدنی و اخیراً حقوق اداری، اهمیت یافته است، پدیده‌ای مدرن به شمار می‌رود. به این معنا که در نظام اداری، هر چند رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در هر کشوری فارغ از نوع نظام حقوقی آن، مستلزم طی فرایند از ابتدا تا ختم رسیدگی و اخذ تصمیم و صدور رأی است، با این حال، طی فرایند مذکور الزاماً متضمن اقدام بر طبق اصول دادرسی عادلانه رسیدگی نیست.

با شرحی که گذشت، رسیدگی به تخلفات اداری و اصول دادرسی عادلانه، به عنوان جلوه‌های حیات مدرن بشری در حقوق مدرن جای می‌گیرند و اصول و تضمینات یاد شده، به دلیل ورود ما به دنیای جدید، به حقوق کیفری و مدنی ایران و متعاقباً تا حدودی به حقوق اداری کشور وارد شده، لکن از آن‌جا که مظاهر حیات مدرن در دل زندگی سنتی در این مرزو بوم پرورش نیافته و میوه تعاملات درازآهنگ تاریخی ایران در عرصه نظر و عمل نبودند (راسخ، ۱۳۹۳: ۴۱)، در مواجهه با این اصول به عنوان حق‌های رویه‌ای دچار سوء تفاهم شده و آنچنان که باید مورد مداقه و تحلیل قرار نگرفته است. لذا در این نوشتار سعی شد با انجام مطالعه تطبیقی، از تجارب کشور انگلستان به عنوان یک جامعه مدرن بهره‌برداری بعمل آید؛ چرا که به رغم تفاوت‌های نهادی و ماهوی میان دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، در موارد بسیاری که وابسته به شرایط خاص بومی نیستند، مانند اصول و تضمینات حق‌های رویه‌ای کارمندان، امکان بهره‌برداری از نظام حقوقی انگلستان وجود دارد.

با توجه به موارد بالا و ملاحظه این موضوع که حقوق پدیده‌ای است که از سه عنصر اصلی نُرم (باید و نبایدها)، رویه و نهاد تشکیل می‌شود، در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا و استنباط از

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

متون حقوقی مربوط، وجه ماهوی (مقررات) رسیدگی به تخلفات اداری از منظر اصول دادرسی عادلانه در مراحل چهارگانه آتی‌الذکر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

لازم به ذکر است، چون مقامات اجرایی ذیصلاح به رسیدگی به تخلفات اداری در ایران (موضوع مادتین ۱۲ و ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۲)، همانند هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، مکلف به طی تشریفات رسیدگی نیستند، بنابراین، بحث از رعایت اصول دادرسی عادلانه در مورد نحوه رسیدگی این مقامات، موضوعیت ندارد. به همین لحاظ، رسیدگی مقامات یادشده، موضوع این مقاله نمی‌تواند باشد.

۱. اصول مربوط به مرحله شروع (تشکیل) پرونده

اصول مربوط به مرحله اقامه دعوی ناظر بر حق بر دادخواهی است. حق بر دادخواهی، عنوان جامعی است که می‌تواند شامل حق بر دسترسی افراد به مراجع قضایی و یا در صورت لزوم مراجع اداری و صنفی جهت دادخواهی نسبت به حق‌ها و آزادی‌هایشان باشد. ماده هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر حق همه افراد را بر دسترسی به جبران مؤثر به وسیله دیوان‌های صالح ملی[1] نسبت به اعمالی که ناقض حق‌های تضمین شده توسط قانون اساسی یا دیگر قوانین هستند، مورد تأکید قرار می‌دهد. عبارت «جبران مؤثر[2]»، در این ماده مفهومی است جامع که می‌تواند همه انواع رسیدگی‌ها را اعم از حقوق، کیفری، اداری و صنفی شامل شود. عبارت دیوان‌های صالح ملی نیز به همین ترتیب انواع مختلف مراجع قضایی، اداری و صنفی را دربر می‌گیرد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ۲: ۲۱۴)

مرحله اقامه دعوی، در برگیرنده چند معیار دادرسی عادلانه مشتمل بر دسترسی مؤثر به دادگاه یا دیوان، برابری دسترسی به دادگاه و دیوان و دسترسی به مساعدت و حمایت حقوقی به شرح زیر می‌باشد.

۱-۱. دسترسی مؤثر به دادگاه یا دیوان[3]

دسترسی مؤثر به دادگاه یا دیوان یعنی اینکه، این دسترسی باید به طور موثری تضمین شود تا اطمینان حاصل شود که هیچ شخص حقیقی در شرایط قانونی از حق دادخواهی محروم نیست. حسب تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر، حق دسترسی به یک دادگاه یا دیوان به وضوح به یک سیستم منسجم و حاکم بر نحوه مراجعه به آنها نیاز دارد، به‌طوری که متقاضیان فرصت واضح و عملی و مؤثر برای اعمال حق را داشته باشند.[4] باید توجه داشت هرچند کشورها باید دسترسی مؤثر افراد به دادگاه‌ها و دیوان‌ها را تضمین کنند،

1. The competent National Tribunals
2. Effective Remedy
3. Effective Access to a Court or Tribunal
4. De Geouffre de la Pradelle v France, ECtHR, 16 December 1992, paras 34-35

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

اما این حق مطلق نیست و ممکن است به وسیله قانون محدود شود. طبق اعلام دادگاه مزبور، در صورتی که این محدودیت‌ها به اساس حق لطمه نزند و به دنبال یک هدف مشروع باشد و تناسب معقولی بین ابزارهای مورد استفاده و هدف حاصله وجود داشته باشد، این محدودیت با اصول دادرسی عادلانه بین‌المللی ناسازگار نیست[۱].

با توجه به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، حق دسترسی شامل دسترسی فیزیکی به امکانات دادگاه یا دیوان، و همچنین دسترسی به اطلاعات مربوط به زمان و مکان دادرسی است. اطلاع‌رسانی باید با در نظر گرفتن ارزش دعوی و زمان مورد انتظار رسیدگی صورت گیرد.[۲]

سیستم حقوقی ممکن است اجازه اقدام گروهی بدهد بطوری که یک گروه بزرگ از مردم به طور جمعی در مورد یک گروه یا طبقه از متهمان شکایت کنند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده کروز در مقابل دولت لهستان، اظهار داشت هزینه‌های مربوط به آیین دادرسی (به عنوان مثال هزینه دادرسی، وظایف دولت برای بایگانی اسناد رویه‌ای، کپی برخی از مطالب، خدمات متخصصین، هزینه‌های سفر شهود و نمایندگی قانونی) نباید مانع دسترسی به دادگاه‌ها و دیوان‌های اداری گردد.[۳]

در ایران، مطابق ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر موظفند بلافاصله پس از تشکیل، آغاز کار خود را به نحو مقتضی با ذکر نشانی از طریق واحد مربوط به اطلاع کارمندان خود برسانند. این اطلاع‌رسانی می‌تواند علاوه بر آگاه‌سازی کارمندان از وجود چنین تشکیلاتی، دسترسی به آنها را تسهیل نماید. دسترسی به هیأت‌های مزبور برای امر دادخواهی در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی فوق‌الذکر پیش‌بینی شده است و مستفاد از نظریه مورخ ۱۳۸۰/۹/۷ هیأت عالی نظارت، اشخاص خصوصی نیز حق اعلام یا شکایت به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری را دارند (محمدی ۱۳۹۲: ۳۹). بر همین مبنا، این حق در ماده ۱۸ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری تصریح شده است. دسترسی اشخاص خصوصی به هیأت‌های یادشده در حد اعلام و یا شکایت است و حق حضور در جلسات آنها را ندارند. هر چند موضوع شکایت جمعی در مقررات مورد تصریح قرار نگرفته است، لکن منعی به نظر نمی‌رسد. رسیدگی به تخلفات اداری در ایران توسط مراجع ذیربط رایگان است.

در کشور انگلستان، مطابق جزء (۱) بند (۷) قسمت مقدمه قانون حقوق بشر ۱۹۹۸[۴]، در صورتی‌که شخصی ادعا کند، اقدام یا پیشنهاد اقدام یک مرجع عمومی که شامل اشخاص دارای وظایف عمومی نیز می‌شود، به نحوی حسب جزء (۱) بند ۶ غیرقانونی (ناسازگار با حقوق مذکور در این قانون) محسوب

---

1. Waite and Kennedy v Germany, ECTHR, 18 February 1999, para 59
2. Van Meurs v The Netherlands, HRC Communication 215/1986
3. **Kreuz v Poland, ECtHR, 19 June 2001, para 67**
4 - Human Rights Act 1998

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

می‌شود؛ به شکایت علیه آن مرجع (شخص) در دادگاه یا دیوان ذیصلاح یا در هر دادرسی قانونی دیگر (توسط مقام اجرایی ذیصلاح) رسیدگی می‌شود. حتی اگر چنین تصریحی در قانون مزبور وجود نداشت، با استناد به حق بر دادخواهی در مورد اشخاص و اتخاذ تصمیم درباره اختلافات راجع به حقوق و الزمات او در مورد مدنی مذکور در بند (۱) ماده ۶ این قانون، توجهاً به مفاد بند (۲) قسمت مقدمه آن، دایر بر لزوم سازگاری تفسیر مقررات این قانون با حقوق کنوانسیون حقوق بشر اروپا، با تفسیر موسعی که دیوان اروپایی از مفاد ماده ۶ و به ویژه از قلمروی دعاوی مدنی ارائه نمود، دعاوی اداری و انضباطی داخل در قلمرو قسمت مدنی ماده ۶ کنوانسیون گردید (یاوری، ۱۳۸۳، ۲۶۳) حق مزبور شامل حق بر دسترسی افراد نسبت به حق‌ها و آزادی‌هایشان به مراجع رسیدگی به تخلفات اداری مربوطه نیز می‌شود. همچنین، طبق بند (۹) فصل اول قانون اصلاحات اساسی و حکمرانی ۲۰۱۰[۱]، اقداماتی که با استانداردهای رفتاری مقرر در این قانون منافات داشته باشد، از سوی اشخاص، از جمله نزد مقامات صالح دستگاه قابل شکایت است. این استانداردهای رفتاری باید مطابق با ارزش‌های خدمات کشوری مندرج در جزء (۴) بند ۷ قانون مذکور مشتمل بر درستی، صداقت، عینیت و بی‌طرفی باشد. بر همین مبنا، در بند (۳-۵-۴) آیین‌نامه خدمات کشوری، موارد منجر به شروع رویه‌های انضباطی تعیین گردیده‌اند. همچنین در این بند، حق شکایت جمعی به رسمیت شناخته شده است و اتحادیه‌های صنفی شناخته‌شده حق دارند که بر اساس مسائل رویه‌ای و اصول کلی مربوط به اقدام انضباطی، اعمال نمایندگی نمایند.

در کشور انگلستان، رسیدگی ابتدایی در مورد موضوعات انضباطی توسط مقامات اجرایی ذیصلاح مذکور در بندهای (۶-۵-۴) الی (۸-۵-۴) آیین‌نامه خدمات کشوری صورت می‌گیرد و لذا در صورت تخلف کارمندان، اشخاص خصوصی حق دارند منفرداً یا به طور جمعی شکایت خود را حسب مورد به مرجع صالح تسلیم نمایند. تاریخ و محل جلسات در اختیار اصحاب دعوی قرار می‌گیرد. این رسیدگی رایگان است.

۲-۱. برابری دسترسی به دادگاه و دیوان[۲]

این برابری دسترسی، به این معنی است که اشخاص خصوصی برای مطالبه حقوق خود، باید به نظام عدالت اداری دسترسی برابر داشته و مراجع عمومی نباید به روش تبعیض‌آمیز عمل کنند. کمیته حقوق بشر در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۸۹ طی نظریه شماره ۱۸ اعلام نموده است، تساوی در برابر قانون، مستلزم آن است که همه اشخاص خصوصی بدون در نظر گرفتن ماهیت دادرسی، به دادگاه یا دیوان دسترسی برابر داشته باشند و در طول تمام دادرسی با آنها به‌گونه‌ای غیر تبعیض‌آمیز رفتار شود.[۳] این کمیته اعلام نمود تبعیض،

---

۱ - Constitutional Reform and Governance Act 2010

۲. Equal access to a court or tribunal

۳. HRC, 10 November 1989, General Comment No. 18

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

هرگونه تمایز، استثنا، محدودیت یا اولویت است که بر پایه زمینه‌هایی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها قرار دارد و هدف یا اثر آن از بین بردن یا نادیده گرفتن شناسایی، لذت یا عملکرد همه افراد، بر پایه برابر از همه حقوق و آزادی‌ها است.[1]

برابری در مقابل دادگاه یا دیوان از اصل برابری در مقابل قانون ناشی می‌شود. در این ارتباط در ایران؛ در قسمت (الف) منشور حقوق شهروندی ابلاغی ۱۳۹۵ رییس جمهور آمده است، دولت با همکاری سایر قوا و ارکان حاکمیت در حدود صلاحیت‌ها، منابع و امکانات و در چارچوب قانون اساسی نسبت به موارد مذکور از جمله توجه به اصل عدم تبعیض و تساوی همه افراد و گروه‌ها در برابر قانون بدون هرگونه ملاحظه‌ای از قبیل جنسیت، قومیت، مذهب و گرایش‌های سیاسی- اجتماعی و پیگیری اجرای این اصل از سوی سایر قوا و نهادها اقدام می‌کند.

در انگلستان؛ مطابق ماده ۱۴ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، برخوردای از حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون (این قانون) باید بدون تبعیض از هر حیث از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی و سایر عقاید، اصلیت ملی یا اجتماعی، عضویت در گروه‌های اقلیت ملی، دارایی‌ها، تولد یا سایر وضعیت‌ها تضمین شود. بنابراین حق دسترسی به دادگاه یا دیوان برای دادخواهی موضوع بند (۱) ماده ۶ این قانون، به‌طور برابر شامل همه اشخاص می‌شود و با توجه به صراحت جزء (الف) بند (۱) از بخش ۲ قسمت مقدمه قانون فوق، جهات مذکور در آرای دادگاه اروپایی حقوق‌بشر در این رابطه برای دستگاه‌های دولتی و مراجع انضباطی آنها لازم‌الرعایه است.

۳-۱. دسترسی به مساعدت و حمایت حقوقی[2]

مساعدت و حمایت حقوقی یعنی اینکه، حق دسترسی به عدالت مستلزم حق برخورداری از کمک‌های حقوقی در هنگامی است که شخص خصوصی فاقد امکانات لازم است. مساعدت و معاضدت حقوقی به فراهم کردن مشاوره حقوقی رایگان یا نمایندگی رایگان توسط مجامع حقوقی در دادگاه‌های دادگستری و دیوان‌ها، و همچنین پوشش جزئی یا کامل هزینه‌های دادرسی می‌پردازد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار داشته است، بر طبق استانداردهای بین‌المللی یا منطقه‌ای، هیچ تعهد مطلقی برای دولت‌ها جهت ارائه کمک قانونی برای تمامی اختلافات حقوقی وجود ندارد[3]. در دعاوی غیر کیفری، برای تعیین اینکه آیا کمک یا حمایت حقوقی برای تضمین یک محاکمه عادلانه لازم است یا خیر،

---

1. Toonen v Australia, HRC Communication No. 488/1992
2. Availability of legal assistance and legal aid
3. Bertuzzi v. France, ECtHR, 13 February 2003, para 23.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

بررسی مورد به مورد نیاز می‌باشد. بنابراین، شرایط خاص دعوی، وضعیت حقوقی آن، اهمیت آنچه که برای متقاضی در معرض خطر است و پیچیدگی قانونی و فرایند مربوطه، از جمله عواملی می‌باشند که بر ظرفیت متقاضی برای نشان دادن نیاز به برخورداری از کمک قانونی مؤثر هستند[1]. جایی که حق دسترسی به کمک‌های حقوقی نیاز باشد، دولت باید تصمیم بگیرد که چگونه چنین وسایلی را برای تضمین دسترسی مؤثر به دادگاه ارائه کند.[2] ارائه‌دهندگان واقعی کمک‌های حقوقی نیز ممکن است بسته به سیستم مورد نظر متفاوت باشد. کمک‌های حقوقی ممکن است توسط نهادهای دولتی مانند ادارات حقوقی، انجمن‌های وکلا، سازمان‌های غیردولتی یا وکلای خصوصی ارائه شود. طبق رأی دادگاه فوق‌الذکر، در پرونده اگر ارائه کمک‌های حقوقی توسط بازیگران غیر دولتی انجام شود، دولت همچنان مسئولیت اصلی تضمین خدمات حقوقی کافی و مؤثر را در برنامه حمایت حقوقی دارد.[3] باید توجه داشت، دسترسی اشخاص به مساعدت و حمایت حقوقی برای اقامه دعوی، غیر از حق برخورداری متهم از تسهیلات کافی مرحله رسیدگی به پرونده موضوع جزء (ب) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد.

در ایران؛ حق دسترسی اشخاص خصوصی به مساعدت و حمایت حقوقی جهت طرح شکایت در مراجع رسیدگی به تخلفات اداری، در مقررات مربوطه به رسمیت شناخته نشده است.

در کشور انگلستان؛ از اول آوریل ۲۰۱۳، ارائه خدمات و کمک‌های حقوقی به اشخاص خصوصی برای تضمین حق بر دادخواهی آنان، به موجب قانون حمایت حقوقی، محاکمه و مجازات متخلفین[4] مصوب ۲۰۱۲، در هر دو حوزه کیفری و مدنی توسط آژانس کمک‌های حقوقی[5] مدیریت می‌شود. پیش از این، این امر توسط کمیسیون خدمات حقوقی[6] اداره می‌شد. مطابق قسمت (الف) جزء ۳ بند ۱۰ از بخش ۸ قانون یادشده (خدمات حقوقی مدنی)، یکی از موارد ارائه خدمات حقوقی، موقعیتی است که عدم ارائه خدمات موضوع این بخش موجب نقض حقوق کنوانسیون افراد (به معنای قانون حقوق بشر ۱۹۹۸) می‌شود. از جمله این موقعیت‌ها، حق بر دادرسی عادلانه موضوع ماده ۶ قانون اخیرالذکر است، لذا برای تضمین این حق باید خدمات حقوقی در دسترس اشخاص خصوصی قرار گیرد. به‌علاوه، مستفاد از جزء (الف) بند (۱) از بخش ۲ قسمت مقدمه این قانون، دایر بر تبعیت دادگاه و دیوان در انگلستان از آرای دادگاه حقوق بشر، اشخاص خصوصی نیز جهت طرح دعوی (دادخواهی)، در محدوده آرای وصفی فوق، از حق بر مساعدت و حمایت حقوقی برخوردارند.

---

1. Steel and Morris v. United Kingdom, ECtHR, 15 February 2005, para 59-72.
2. A. v United Kingdom, ECtHR, 17 December 2002, paras 96-97.
3. Van der Mussele v Belgium, ECtHR, 23 November 1983, paras 29-30.
4. Legal Aid, Sentencing and Punishment of Offenders Act 2012.
5. The Legal Aid Agency (LAA).
6. The Legal Services Commission (LSC).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

۲. اصول مربوط به مرحله رسیدگی به پرونده

مرحله رسیدگی به دعاوی اداری و انضباطی مستلزم ملاحظه اصول دادرسی عادلانه فرض بر برائت، حق بر محاکمه شفاهی، حق بر داشتن وکیل مدافع و همچنین حق بر دسترسی به اوراق، اسناد و شهود می‌باشد.

۱-۲. فرض بر برائت[1]

فرض برائت را به زبان حقوق بشری می‌توان به «حق متهم بر فرض برائت» تعبیر نمود که لازمه چنین حق – ادعای انسانی، تکلیف مقام تعقیب و قضا بر بی‌گناه فرض نمودن متهم قبل از اثبات قطعی اتهام مربوط است.

فرض موضوعی برائت را با اصل حکمی برائت نباید خلط کرد. فرض برائت یک اصل موضوعی است که ناظر به وضعیت شخص است. اصل اولیه بر این است که شخص متهم باید بی‌گناه فرض شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. البته این اثبات خلاف نیز باید با ابزار و طرقی باشد که قانون به رسمیت شناخته است و نه هر وسیله و ابزار ممکن. در حقیقت فردی ممکن است در واقعیت مجرم باشد ولی دلایل قانونی کافی در اثبات جرم او نداشته باشد که در این صورت به مقتضای اصل موضوعی برائت، باید حکم به بی‌گناهی او نمود.

فرض برائت در بند دوم ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عبارتی رسا و واضح تصریح شده است. هر متهم حق دارد پیش از اینکه گناهکار بودن وی بر اساس قانون ثابت شود بی‌گناه فرض شود. و البته واضح است که چنین فرضی، فرضی هنجاری است که ناظر به تکلیف مقامات و دستگاه‌های رسیدگی‌کننده است و نه ناظر به امر واقع. به این معنا که فرد به لحاظ حقوقی باید بی‌گناه فرض شود و نه اینکه واقعاً بی‌گناه است. فرض برائت از جمله حداقل تضمینات متهمان است که تقریباً در تمام اسناد عام حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که کاربرد دو اصل موضوعی و حکمی برائت، به مراجع قضایی اختصاص نداشته و سایر مراجع و دستگاه‌های اداری نیز باید بر همین مبنا با افراد برخورد داشته باشند، اگرچه کاربرد مضیق آن در فرایند رسیدگی کیفری است. به این ترتیب هیچ‌یک از دستگاه‌های عمومی نمی‌توانند حقوق و آزادی‌های فرد را صرفاً به دلیل اینکه اتها ثابت نشده‌ای متوجه وی شده است مخدوش نماید (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ۲: ۲۳۲-۲۲۹)

1. Presumption of Innocence

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

در ایران، مطابق ماده ۲۳ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری، اصل بر برائت است. بنابراین چنانچه پرونده کارمند در هیأت تحت رسیدگی باشد باید از طریق اقامه دلایل مستند و رسیدگی به آنها و رعایت مقررات مربوط متخلف بودن وی احراز گردد. در غیراین‌صورت حکم به برائت کارمند صادر خواهد شد.

در انگلستان، طبق بند (۲) ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود. این اصل با توجه به بخش (۲) قانون مذکور دایر بر لزوم تفسیر مقررات آن، سازگار با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و توجهاً به تفسیر موسع دیوان اروپایی از ماده (۶) کنوانسیون از قسمت مدنی آن، شامل مراجع رسیدگی به تخلفات اداری نیز می‌شود.

۲-۲. حق بر استماع شفاهی[1]

حق بر استماع شفاهی در ماهیت این است که فرد برای ارائه شفاهی وضعیت پرونده خود در مقابل دادگاه و دیوان فرصت منطقی پیدا کند (Council of Europe/European Court of Human Rights, 2014:20). حق بر استماع شفاهی یک حق اساسی در حقوق بین‌الملل است، اما این حق مطلق نیست. امتناع از اجازه دادرسی شفاهی باید توسط دادگاه یا دیوان مشخص شود. همچنین، انتخاب بین دادرسی کتبی یا استماع شفاهی باید به‌وسیله قوانین ملی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و منطقه‌ای تعیین شود. نسبت دادرسی‌های شفاهی و کتبی که توسط دادگاه‌های اداری انجام می‌شود، از کشوری به کشور متفاوت است و دادرسی‌های شفاهی با مشارکت طرفین در بعضی از نظام‌های حقوقی نادر است. از آنجا که در استماع شفاهی دادگاه یا دیوان، نه تنها امور حکمی بلکه استحقاق و نیز واقعیتها را هم مورد رسیدگی قرار می‌دهد، لذا آستانه انکار استماع شفاهی بالاتر است.[2] حق بر استماع شفاهی ممکن است به طور صریح یا ضمنی نقض شود.[3] در صورتی که در مرحله بدوی، استماع شفاهی وجود داشته باشد، حق مطلق بر استماع شفاهی در رسیدگی پژوهشی بعدی وجود ندارد.[4]

حق بر استماع شفاهی مستلزم اطلاع متهم از اتهامات (در اسرع وقت) و حضور وی در محاکم، موضوع جزء (الف) و (د) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۳) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. همچنین، در حق بر استماع شفاهی، موضوع حق بر ترجمه و تفسیر در دادگاه یا دیوان مطرح می‌شود.

---

1. Right to an oral hearing.
2. Håkansson and Sturesson v Sweden, ECtHR, 21 February 1990.
3. Schuler-Zgraggen v Switzerland, ECtHR, 24 June 1993, para 58.
4. Dory v Sweden, ECtHR, 12 November 2002, paras 37-40

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

از آنجا که لازمه استماع شفاهی، حق بر رسیدگی حضوری است، برابر مقررات رسیدگی به تخلفات اداری در ایران اصل بر رسیدگی غیابی است مگر در موارد ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری و تبصره آن، که هیأت حضور متهم را ضروری تشخیص دهد و یا کارمند متهم درخواست کند که در این وضعیت هیأت مکلف است یک‌بار وی را برای حضور در جلسه دعوت نماید. این نقص در رسیدگی توسط مقامات اجرایی ذیصلاح موضوع مواد (۱۲) و (۱۷) قانون رسیدگی به تخلفات اداری نمود بیشتری دارد؛ زیرا آنان حتی مکلف به طی تشریفاتی نیستند که هیأت‌ها رعایت می‌کنند.

در کشور انگلستان، علاوه بر علنی‌بودن رسیدگی مذکور در بند یک ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، حقوق مذکور در بندهای (ج)، (هـ) و (و) ذیل بند (۳) این ماده دایر بر دفاع متهم شخصاً یا توسط وکیل، سؤال از شهود و عنداللزوم برخورداری از مترجم مجانی، جملگی ناظر به حق بر استماع شفاهی است. همچنین مطابق بند (۱۲) دستورالعمل خدمات مشورتی، مصالحه و داوری (آکاس)[1] راجع به رویه‌های انضباطی و شکایات که بر اساس بند (۱-۵-۴) آیین‌نامه خدمات کشوری[2]، رعایت آن دستورالعمل توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی الزامی است، کارمندان متهم (و همراهان آنها) حق دارند در جلسات رسیدگی حضور یابند. در این جلسه کارمند مجاز است پرونده خود را ارائه کند و به هرگونه اتهام انتسابی پاسخ دهد. حق ارائه شفاهی پرونده توسط تجدیدنظرخواه (یا نماینده نماینده قانونی وی) در رسیدگی به پرونده از سوی هیأت تجدیدنظر نیز، در جزء (د) بند (۲۵-۱-۱۲) آیین‌نامه خدمات کشوری تصریح و در جزء (ح) آن، محاکمه (دادرسی) در حضور هیأت به عنوان یکی از حقوق وی ذکر شده است.

۳-۲. حق بر داشتن وکیل مدافع

حق بر داشتن وکیل، یکی از ابزارها و تضمینات مهم در دادرسی عادلانه است. اصل برابری تجهیزات دفاعی اقتضاء دارد که وکیل در سیر دادرسی انضباطی، در امکان دسترسی به مدارک و شهود، اختیاراتی برابر مراجع نظارتی ارائه‌دهنده گزارش تخلف و اعوان آنها داشته باشد و در مواردی که به دلیل محظوریت‌ها و محدودیت‌های مختلف نمی‌توان شخص متهم را در جریان کل مدارک و مستندات تخلفاتی و شهود پرونده قرار داد، به دلیل پیوند نهاد وکالت با دستگاه قضایی و نتجتاً اعتماد حاکمیت به این نهاد از سویی، و تعهدات حرفه‌ای وکلا و بالمآل اعتماد متهم به ایشان از سوی دیگر، مدارک و شهود پرونده در دسترس وکیل متهم قرار گیرد.

---

1 - ACAS: abbreviation for the Advisory, Conciliation and Arbitration Service Code.
2 - Civil Service Code" available online at:
http://www.civilservice.gov.uk/about/values/cscode/index.aspx

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مطابق جزء (د) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متهم حق دارد در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت. بنابراین، میثاق مزبور، حق بر دفاع متهم توسط وکیل مدافع را در فهرست حق‌های پنج‌گانه مطرح کرده است: ۱. حق بر دفاع حضوری ۲. حق بر دفاع توسط خود متهم ۳. حق بر داشتن وکیل مدافع انتخابی ۴. تکلیف مقامات در مطلع‌کردن متهم از حق انتخاب وکیل ۵. حق بر کمک‌های رایگان قضایی و حقوقی در صورت عدم تمکن (Nowak, 1993: 260).

در مقررات رسیدگی به تخلفات اداری ایران به انتخاب وکیل به معنای خاص آن اشاره نشده است. هرچند جواز ارائه دفاعیه، تقاضای مدارک لازم برای دفاع، درخواست تمدید مهلت دفاع و اطلاع کتبی تاریخ و محل رسیدگی توسط هیأتها به نماینده متهم به ترتیب به شرح ماده ۱۰، تبصره‌های (۱) و (۲) ماده ۱۹ و ماده ۲۱ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری و نیز درخواست تجدیدنظر توسط نماینده محکوم‌علیه موضوع ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، وکیل را نیز در بر می‌گیرد. البته در بند (۲) ماده ۱۲ حقوق شهروندی در نظام اداری (مصوبه شماره ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری)، حق استفاده از وکیل در همه مراحل رسیدگی اداری که رسیدگی انضباطی را نیز شامل می‌شود، به رسمیت شناخته شده است. هر چند امکان تعیین وکیل برای آنان در صورت عدم توانایی، وکیل در مراجع اداری را شامل نمی‌شود و حسب ماده (۵۸) منشور حقوق شهروندی، چنین برخورداری صرفاً در موارد ناتوانی متهم از انتخاب وکیل در مراجع قضایی را شامل می‌شود.

در انگلستان، حق برخورداری از وکیل در جزء (ج) بند (۳) ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ تصریح شده است. این حق با توجه به بخش (۲) قانون مذکور دایر بر لزوم تفسیر مقررات آن، سازگار با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و توجهاً به تفسیر موسع دیوان اروپایی از ماده (۶) کنوانسیون از قسمت مدنی آن، شامل مراجع انضباطی نیز می‌شود. دیوان تجدیدنظر استخدام در پرونده وزارت دادگستری انگلستان علیه پری[1] در سال ۲۰۱۳، جلوگیری کارفرما از حضور وکیل شاکی در جلسه استیناف و پذیرش جوابیه کتبی وکیل مدعی‌علیه را به معنی نقض ماده ۶ (دادرسی عادلانه) تشخیص داد.

1. Appeal No. UKEAT/0068/12/ZT

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

٤-۲. دسترسی به اوراق، اسناد و شهود

جزء (هـ) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد، متهم حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود. کمیته حقوق بشر در بند (۱۲) نظریه شماره ۱۳ مورخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۴ در مورد ماده ۱۴ میثاق مذکور اظهار داشته است، مقررات این جزء برای تضمین همان اختیار قانونی متهم در اجبار به احضار شهود و سؤال یا سؤال متقابل از شهودی که برای برای تعقیب قانونی در دسترس هستند، طراحی شده است. حسب تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر، طرفین دعوی باید فرصت داشته باشند تا با شواهد و مدارک در دادگاه آشنا شوند و در مورد وجود، محتوا و صحت آن‌ها در یک شکل و زمان مناسب نظر بدهند. در صورت لزوم، این نظرات می‌توانند به صورت کتبی ارائه شوند، حتی اگر مدارک توسط مقامات ملی بر اساس درخواست دادگاه تهیه شده باشد.[1] با این وجود، حق دسترسی به مدارک توسط طرف مربوطه، نامحدود نیست. این حق ممکن است بر اساس تعدادی از مسائل قانونی مانند حفاظت از امنیت ملی[2] یا حفظ حقوق اساسی یکی دیگر از افراد خصوصی (مانند حفاظت از شاهدان) محدود شود[3] با این حال، محدودیت دسترسی به اطلاعات مربوطه نیز باید متناسب باشد.

در ایران، در قسمت اخیر ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مقرر شده است هیأت‌ها در صورت تقاضای کارمند، مدارک لازم را در اختیار وی قرار دهند. قید «لازم» در این عبارت به این معناست که هیأت تکلیفی به ارائه «کلیه» مدارک پرونده ندارد و حداکثر وظیفه دارد مدارک و اطلاعاتی (اعم از محرمانه و غیر محرمانه) را که برای ارائه دفاعیه ضرورت دارد، در اختیار متهم یا نماینده قانونی وی قرار دهد و در مورد اطلاع‌رسانی راجع به شواهد و مدارک بعد از شروع دادرسی از جمله اسناد و اطلاعات دریافتی از دستگاه‌ها موضوع ماده ۲۵ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری تکلیفی ندارد.

موضوع نحوه حضور و اخذ توضیح از شهود و مطلعین در ماده ۲۷ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری و تبصره‌های ذیل آن تبیین شده است. به موجب این ماده، ماده هرگاه متهم در حین رسیدگی یا دفاعیه خود برای ردّ یا ایضاح اتهام یا چگونگی وقوع تخلف تقاضا نماید یا هیأت لازم بداند که شهود اطلاعات خود را در اختیار هیأت قرار دهند، آنان به هیأت دعوت و اظهاراتشان استماع خواهد شد. درصورت عدم حضور برای بار دوم برای ادای شهادت دعوت می‌گردند. طبق قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، چنانچه شاهد یا مطلع از حضور بعد از احضار دوم یا اظهار در صورت حضور امتناع نماید، این مرحله از رسیدگی حذف می‌شود. همچنین مطابق تبصره (۱) آن ماده، هیأت از هریک از شهود و مطلعین به‌طور

1. Fretté v France, ECtHR, 26 February 2002, para 47
2. Mirilashvili v Russia, ECtHR, 11 December 2008, para 202
3. Doorson v the Netherlands, ECtHR, 26 March 1996, para 70

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌نماید. حق معرفی شهود در رسیدگی اداری در بند (۲) ماده ۱۲ حقوق شهروندی در نظام اداری (مصوبه شماره ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری)، نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

در انگلستان، در جزء (هـ) بند (۳) ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، در مورد دسترسی متهم به شهود آمده است، متهم حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود. به منظور آمادگی متهم برای پاسخگویی در مورد پرونده مربوط، در بند (۹) دستورالعمل آکاس، مقرر شده است همراه با ابلاغ کتبی اتهام، نسخه‌ای از هرگونه مدارک کتبی که می‌تواند شامل هرگونه اظهارات شهود نیز باشد، در اختیار متهم قرار گیرد. همچنین حسب قسمت اخیر بند (۱۲) این دستورالعمل، به کارمند متهم فرصت معقول داده می‌شود تا با شهود مربوط تماس بگیرد. همچنین باید به آنها فرصتی داده شود تا درباره هرگونه اطلاعاتی که توسط شاهدان ارائه می‌شود، نکاتی را مطرح کنند.

برخورداری از این حق در مرحله تجدیدنظر نیز صادق است. طبق جزء (ج) بند (۲۳-۱-۱۲) آیین‌نامه خدمات کشوری، هیأت تجدید نظر خدمات کشوری، باید یک نسخه از اظهارات اداره یا نهاد مربوطه را به تجدید نظرخواه بفرستد. این حق در جزء بند (۲۵-۱-۱۲) آیین‌نامه مورد تأکید قرار گرفته است. حق دسترسی به اوراق دیگری که متهم مایل به ملاحظه آنها است در جزء (ز) بند اخیر مادامی که هیات تجدیدنظر دریابد که آنها برای طرح پرونده تجدیدنظرخواه ضروری هستند و هیچ‌گونه ملاحظات امنیتی وجود ندارد، به رسمیت شناخته شده است.

۳. اصول مربوط به مرحله تصمیم‌گیری در مورد پرونده

هنگام تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌های اداری و انضباطی، اصول دادرسی عادلانه که باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از: حق بر رسیدگی در یک زمان معقول، حق بر رأی علنی و مستدل، و اصل قانونی بودن جرم و مجازات (تخلف و تنبیه اداری).

۱-۳. حق بر رسیدگی در یک زمان معقول[1]

این حق تضمین مهمی برای حمایت از همه طرفین در برابر تأخیرهای رویه‌ای بیش از اندازه می‌باشد که ممکن است به اثربخشی و اعتبار دادگاه‌ها و دیوان‌ها آسیب برساند. مطابق جزء (ج) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهم حق دارد که بدون تأخیر در مورد او قضاوت شود. هیچ بازه زمانی

1. Right to a trial within a reasonable time

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مطلقی برای تکمیل فرایندهای رسیدگی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و معقول‌بودن مدت زمان رسیدگی منوط به شرایط خاص هر پرونده است:

۱. بر این اساس، شاخص‌های متعددی برای تعیین جدول زمانی معقول وجود دارد: ۱. پیچیدگی یا سادگی پرونده ۲. رفتار خواهان و نحوه برخورد و رسیدگی دعوی به‌وسیله مراجع اداری و قضائی صلاحیت‌دار ۳. ماهیت حق در معرض خطر و منافع فردی متقاضی (ODIHR, 2013: 69) و ۴. اهمیت زمان برای خواهان در تحصیل یک تصمیم؛ مثلاً در مورد اخراج یا تعلیق یک مستخدم و یا در موارد دادرسی فوری (یاوری ۱۳۸۳، ۲۸۴). تأخیر در دادرسی که امکان توجیه عینی آن به واسطه پیچیدگی پرونده یا رفتار طرفین وجود ندارد، می‌تواند نقض حق دادرسی عادلانه را ایجاد نماید۲. کل دوره زمانی (از طرح دعوی، رسیدگی نزد دیوان تا نهائی‌شدن آراء) باید در زمان تعیین اینکه آیا زمان سپری شدن معقول بوده است یا نه مدنظر قرار گیرد۳.

در ایران، مطابق تبصره (۳) ماده ۱۳ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند در مدت آمادگی به خدمت (۳ ماه)، به پرونده اتهامی کارمندان رسیدگی کنند و تصمیم لازم را اتخاذ نمایند و در صورتی که در مدت مذکور پرونده جهت رسیدگی پژوهشی به هیأت تجدیدنظر ارجاع شود، مدت آمادگی به خدمت برای سه ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود و هیأت تجدیدنظر موظف است حداکثر تا پایان مدت مزبور به پرونده رسیدگی کرده و رأی لازم را صادر نماید. در غیر موارد آمادگی به خدمت اگرچه برای مواردی مانند مهلت دفاع و تمدید آن، ابلاغیه رفع نقص دفاعیه، فاصله بین ابلاغ وقت حضور در جلسه به متهم و روز جلسه، اعلام پاسخ مراجع به استعلام هیأت‌ها، در آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری و دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مواعدی تعیین شده است، معهذا، با توجه به دادنامه شماره ۲۰۴ مورخ ۸۰/۶/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، دایر بر ابطال ماده ۳۳ دستورالعمل و تبصره (۱) و (۲) آن که مدت رسیدگی را سه ماه و در موارد خاص چهار ماه مقرر کرده بود، اکنون جز در موارد آمادگی به خدمت، مدت زمان رسیدگی هیأت‌ها معلوم نیست و ممکن است در مواردی مدت رسیدگی نامعقول باشد.

در کشور انگلستان نیز، هرچند برای طی برخی گام‌های رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مهلت تعیین شده است، لکن مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های اتهامی مشخص نیست. توضیح اینکه، جزء (الف) بند ۳ ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ دایر بر اطلاع متهم در اسرع وقت از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، بر رسیدگی به پرونده در یک زمان معقول دلالت دارد. همچنین مطابق بند (۴) دستورالعمل آکاس،

1. König v Germany, ECtHR, 28 June 1978, para 99
2. M.noz Hermoza v Peru, HRC Communication 203/1986
3. Vilho Eskelinen and Others v Finland, ECtHR, 19 April 2007, para 66

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مقامات ذیربط باید سریعاً مسائل را مطرح و رسیدگی کنند و نباید جلسات و اتخاذ تصمیمات انضباطی را به طور غیر منطقی به تعویق بیندازند. در همین خصوص در بند (۱۱) دستورالعمل مزبور مقرر شده است، جلسات انضباطی باید بدون تأخیر غیر منطقی برگزار شود.

در رسیدگی به پرونده در مرحله تجدیدنظر، طبق جزء (ب) بند (۲۲-۱-۱۲) آیین‌نامه خدمات کشوری، تجدیدنظرخواه باید ظرف ۲۱ روز از زمان اعلام قصدشان برای تجدیدنظرخواهی، شرح کامل قضیه خود را به صورت مکتوب را به هیأت بفرستند. همچنین حسب بند (۲۳-۱-۱۲) آیین‌نامه فوق، هیأت باید مواعدی را رعایت کند تا رسیدگی در مدت زمان معقول صورت گیرد.

۲-۳. رأی علنی و مستدل[1]

رأی علنی و مستدل به این معناست که آراء باید به صورت علنی اعلام شوند. تمام اشخاص ذینفع باید به یک رأی که در آن دارای نفع مشروع هستند، دسترسی داشته باشند و آراء در قلمرو و حوزه‌های عمومی باید در دسترس عموم قرار گیرد. در کنار علنی‌بودن؛ آراء باید به حد کافی مستدل باشند. به‌طوری که طرفین بتوانند مطمئن شوند که استدلال‌های آنها کاملاً مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مردم بتوانند درک کنند که چگونه دادگاه‌ها و دیوان‌ها اتخاذ تصمیم می‌کنند.[2]

در ایران، مطابق ماده ۴۱ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری، انشاء و صدور رأی هیأت پس از رسیدگی در آخرین جلسه و در غیاب متهم صورت می‌گیرد. هر چند، حسب ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، آرای صادر شده توسط هیأت‌های بدوی و تجدید نظر به کارمندان‌مربوط ابلاغ می‌شود. مستدل‌بودن آرای هیأت‌ها، در ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری به تفصیل بیان شده است.

در کشور انگلستان، مطابق قسمت اخیر بند (۱) ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ احکام صادره باید علنی باشد. همچنین، حسب بند (۱۸) دستورالعمل آکاس، مقام اجرایی پس از جلسه انضباطی باید تصمیم بگیرد که آیا اقدام انضباطی یا اقدامات دیگر موجه است و آن را به‌طور کتبی به کارمند اطلاع دهد. در همین راستا، برابر نمونه فرم‌های مکاتباتی ضمیمه (۳) راهنمای آکاس، در موارد اخراج دلایل این تصمیم که باید موجه نیز باشد توسط مقام اجرایی ذیصلاح به کارمند اعلام می‌شود.

1. Public and Reasoned Judgment
2. visaari v Finland, ECtHR, 27 September 2001, para 30

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

٤. اصول مربوط به مرحله بعد از تصمیم‌گیری و صدور رأی در مورد پرونده

مرحله بعد از تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌های اداری و انضباطی مستلزم رعایت این اصول است: حق بر رسیدگی مجدد و نظارت توسط دیوان عالی‌تر مطابق قانون و حق بر غرامت منصفانه.

۱-٤. حق بر رسیدگی مجدد و نظارت توسط دیوان عالی‌تر مطابق قانون[1]

یکی از اصول دادرسی عادلانه آنست که آراء و تصمیمات بدون هیچگونه محدودیت و مانعی و از هر جهت در مراجع ذیصلاح قابل شکایت باشد که به آن اصل نظارت و تجدیدنظر توسط مراجع ذیصلاح می‌گویند. بر اساس بند (۵) ماده (۱۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر کس مرتکب جرمی اعلام بشود، حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی‌تر، طبق قانون مورد رسیدگی واقع شود. از آنجا که مطابق بند (۴) نظریه تفسیری عمومی شماره (۱۳) کمیته حقوق بشر، مفاد ماده ۱۴ میثاق در مورد تضمینات و حق‌های رویه‌ای در همه دادگاه‌ها و دیوان‌ها در محدوده این ماده اعم از اینکه معمولی یا تخصصی باشند، اعمال می‌شود و این مراجع واقعاً باید تضمین‌های کامل مذکور در این ماده را ارائه دهند، لذا حق بر تجدیدنظر و نظارت توسط دادگاه عالی‌تر موضوع بند (۵) این ماده در مورد تصمیمات و احکام انضباطی صادره از سوی مراجع ذیربط نیز قابلیت اعمال دارد. حسب بند (۱۷) نظریه تفسیری مزبور، حق بر تجدیدنظر توسط مراجع بالاتر فقط به جدی‌ترین جرائم (تخلفات) محدود نمی‌شود.

در ایران، مطابق ماده ۴ قانون: رسیدگی به تخلفات اداری، آن‌دسته از آرای هیأت بدوی که قابل تجدیدنظر باشد هرگاه کارمند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی درخواست تجدیدنظر نماید، هیأت تجدیدنظر مکلف به رسیدگی است. همچنین، حسب ماده ۲۱ این قانون، در صورتی که متهم به آراء قطعی صادره توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اعتراض داشته باشد، می‌تواند به دیوان عدالت اداری شکایت نماید. بر اساس تبصره (۲) ماده ۱۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مهلت تقدیم دادخواست، راجع به آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور، شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است. در صورت عدم شکایت در مهلت قانونی فوق، رأی قابل رسیدگی در دیوان نخواهد بود.

به‌علاوه، هیأت عالی نظارت موضوع ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در صورت مشاهده موارد چهارگانه ذیل این ماده از سوی هر یک از هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر دستگاه‌های مزبور، تمام یا بعضی از تصمیمات آنها را ابطال و در صورت تشخیص سهل‌انگاری در کار هر یک از هیأت‌ها، هیأت

1. The right to reviewed by a higher tribunal according to law

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مربوط را منحل می‌نماید. هیأت عالی نظارت می‌تواند در مورد کلیه احکامی که در اجرای این قانون و مقررات مشابه صادر شده یا می‌شود بررسی و اتخاذ تصمیم نماید. لازم به ذکر است، رسیدگی هیأت عالی نظارت به تصمیمات، آراء و احکام یادشده، مقید به زمان نمی‌باشد.

در انگلستان؛ مطابق بند (۲۶) دستورالعمل آکاس، در جایی که یک کارمند احساس کند که اقدامات انضباطی علیه آنها اشتباه یا ناعادلانه است، باید بتواند نسبت به آن تصمیم تجدیدنظر کند. در این ارتباط، کارمندان حق دارند نسبت به تصمیمات مرحله ابتدایی به مقامات صالح بالاتر مذکور در بندهای (۶-۵-۴) الی (۷-۵-۴) آیین‌نامه خدمات کشوری که مستقل از مقامات مرحله اولیه هستند، اعتراض و درخواست تجدیدنظر نمایند. همچنین، مطابق جزء (ج) بند (۸-۱-۱۲) آیین‌نامه مزبور، علیه حکم اخراج با رعایت شرایط مقرر در بند (۲۱-۱-۱۲) امکان اعتراض در هیأت تجدیدنظر خدمات کشوری، وجود دارد. به‌علاوه، مطابق بند ۱۱۱ قانون حقوق استخدامی ۱۹۹۶، نسبت به تصمیمات انضباطی امکان شکایت در دادگاه استخدام وجود دارد.

۲-٤. حق بر غرامت منصفانه[1]

عدالت اقتضاء دارد که شهروندان در مواردی که دستگاه‌های مربوطه و به ویژه دادگاه و دیوان اقدامات و احکام نادرستی صادر کرده‌اند، خواه این اقدام از روی عمد یا سهو باشد، حق بر دریافت غرامت منصفانه داشته باشند. انکار حق بر غرامت به معنای تجویز انجام بی‌عدالتی توسط حکومت خواهد بود.

حق بر غرامت، از ابتکارات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، که ماده سوم پروتکل هفتم الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این حق را با عبارت و چارچوبی نزدیک به ماده (۶) ماده (۱۴) میثاق مزبور به رسمیت شناخت[2]. ماده سوم پروتکل مذکور جبران خسارت بر طبق قانون یا رویه مورد عمل دولت مربوطه را مقرر می‌دارد، در حالیکه ماده مزبور میثاق، از جبران خسارت مطابق قانون یاد می‌کند.

بر اساس بند (۶) ماده (۱۴) میثاق، فرد به ناحق محکوم شده، در صورت تحقق شرایط ذیل حق ادعای بر غرامت دارد: ۱. حکم نهایی بر محکومیت کیفری وی صادر شده باشد؛ ۲. محکومیت مربوطه به یکی از دلایل ذیل نقض شده باشد و یا اینکه به یکی از همین دلایل، شخص محکوم مورد عفو قرار گرفته باشد: الف. کشف و تصدیق نادرستی محکومیت و رفع مجرمیت از شخص به دلیل کشف نادرستی حکم دادگاه، ب. گذراندن بخشی یا همه محکومیت ناشی از آن حکم نادرست (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ۲: ۲۴۴)

1. The Right to Fair Compensation
2. European Treaty Series - No. 117-Human Rights (Protocol No. 7), 22.XI.1984

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

به‌علاوه، مطابق بند (۴) نظریه تفسیری عمومی شماره (۱۳) کمیته حقوق بشر که قبلاً شرح آن گذشت، حق بر غرامت موضوع بند (۶) ماده یادشده، در مورد تصمیمات و آرای انضباطی صادره از سوی مراجع ذیربط نیز در صورت وجود شرایط وصفی فوق قابلیت اعمال دارد.

در ایران، در بند (۳) ماده ۱۳ حقوق شهروندی در نظام اداری (مصوبه شماره ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری)، مقرر شده است، دستگاه‌های اجرایی مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد یا در نتیجه نقص یا کمبود غیرمتعارف امکانات و سائل به اشخاص وارد می‌شود. این حکم جبران خسارات ناشی از محکومیت اداری کارمندان موضوع اصل فوق‌الذکر را پوشش نمی‌دهد. البته در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، جبران خسارت ناشی از احکام مقامات اجرایی و آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری پیش‌بینی شده، لکن طبق تبصره (۱) ماده ۱۰ قانون مزبور، تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف با دادگاه عمومی است.

در انگلستان، مطابق جزء (۱) بند (۸) قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، در رابطه با هر اقدام (یا اقدام پیشنهادی) مرجع عمومی که دادگاه تشخیص دهد غیرقانونی است (یا می‌تواند غیر قانونی باشد)، می‌تواند حکم به جبران خسارت همانطور که عادلانه و مناسب می‌داند، صادر کند. حسب جزء (۲) این بند، خسارت فقط بوسیله دادگاهی که صلاحیت حکم بر جبران خسارت و یا دستور پرداخت غرامت را طبق آیین دادرسی مدنی داشته باشد، می‌تواند جبران شود. همچنین طبق جزء (۴) بند مذکور، در تعیین و پرداخت خسارت، دادگاه باید اصول اعمال شده توسط دادگاه حقوق بشر اروپا در رابطه با اعطای جبران خسارت موضوع ماده ۴۱ کنوانسیون را در نظر بگیرد که بر این اساس، مستفاد از ماده (۳) پروتکل هفتم الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در صورت فسخ حکم قطعی صادره مراجع انضباطی یا عفو شخص محکوم (به دلایل فوق‌الذکر)، خسارت او با حکم دادگاه مدنی طبق قانون یا رویه دولت انگلستان جبران خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

دادرسی عادلانه، به عنوان حقوق ذاتی بشر و یک ویژگی کلیدی از حاکمیت قانون در اداره عمومی به شمار می‌رود. این حق مبتنی بر اصولی است که با عنوان «اصول دادرسی عادلانه» و برای نظارت بر دادرسی شناخته شده‌اند. اصول یاد شده، به عنوان استانداردهای خاص دادرسی عادلانه ناظر بر مراحل مختلف دادرسی انضباطی است که در اغلب کشورهای دنیا از جمله ایران مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که دادرسی عادلانه و اصول مربوط به آن مذکور در اسناد بین‌المللی حقوق بشری ذیل نظام حقوقی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

مدرن جای می‌گیرد که خود ما حصل زندگی مدرن است و درست به دلیل چیستی مدرّج و مشکّک مدرنیته، امکان بهره‌برداری نظری و عملی از تجارب جوامع مدرن وجود دارد، لذا با آگاهی از عدم انجام پژوهش تطبیقی بین کشور ایران با نظام حقوقی سنتی (دینی) و انگلستان با نظام حقوقی مدرن، در مورد میزان رعایت اصول دادرسی عادلانه در مقررات رسیدگی به تخلفات اداری، ضرورت نیاز به پژوهش حاضر احساس شد تا در مواجهه با تخلفات اداری به عنوان واقعیت تحت تنظیم، قواعد اساسی مربوط رعایت شود و در این راستا از تجارب کشور انگلستان استفاده گردد.

یافته‌ها نشان داد که در کشور انگلستان، علاوه بر قانون حقوق استخدامی سال ۱۹۹۶ که در بخش‌هایی از آن حقوق رویه‌ای مستخدمین ذکر شده است و آیین‌نامه خدمات کشوری مبتنی بر قانون اصلاحات اساسی و حکمرانی مصوب ۲۰۱۰ که در امر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان حاوی ضوابطی است و همچنین دستورالعمل خدمات مشورتی، مصالحه و داوری (آکاس) راجع به رویه‌های انضباطی و شکایات و راهنمای اقدام این دستورالعمل که حسب الزام مندرج در بند (۱-۵-۴) آیین‌نامه مزبور برای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی لازم‌الرعایه است و در صورت عدم رعایت دستورالعمل و راهنمای فوق‌الذکر، تصمیمات متخذه از سوی دیوان استخدام با ایراد مواجه می‌شود؛ به‌طور خاص قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ با حقوق رویه‌ای اشخاص مرتبط می‌باشد. اهمیت این قانون از حیث موضوع مقاله حاضر در این است که حقوق رویه‌ای مذکور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به شرح ماده (۶) آن وارد قلمرو حقوق داخلی انگلستان کرده است. در این ارتباط، در بخش (۲) قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ آمده است، تا آنجا که ممکن است مقررات آن باید به‌نحوی که با حقوق کنوانسیون حقوق بشر اروپا سازگار باشد، تفسیر گردد. بر این اساس و با توجه با تفسیر موسعی که دیوان اروپایی از مفاد ماده ۶ کنوانسیون و به ویژه از قلمروی دعاوی مدنی ارائه نمود، دعاوی اداری و انضباطی داخل در قلمرو قسمت مدنی این ماده کنوانسیون گردید. لذا، در رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در انگلستان، مقررات رویه‌ای مذکور در قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ نیز که بخش عمده آنها در ماده (۶) مندرج و تقریباً جامع اصول دادرسی عادلانه به شرح اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری است، لازم‌الرعایه می‌باشد. همچنین، به تصریح جزء (الف) بند (۱) از بخش ۲ قسمت مقدمه قانون مزبور، دادگاه یا دیوان در تعیین تکلیف سؤال در رابطه با حقوق مندرج در این قانون که از آن تحت عنوان حقوق کنوانسیون یاد شده است، باید رأی، تصمیم و اعلامیه یا نظر مشورتی دادگاه حقوق بشر اروپا را در نظر بگیرد.

در ایران، حقوق رویه‌ای مذکور در مقررات ناظر بر امر رسیدگی به تخلفات اداری، اگر چه در مواردی با اصول دادرسی عادلانه منطبق است، لکن اسناد حقوق بشری حاوی این اصول، مورد استناد قرار نگرفته است و ابتنای عمل مراجع نظارتی ذیربط نیز بر این اسناد نیست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

از انجا که کشور انگلستان به لحاظ دارا بودن نظام حقوقی مدرن، اصول دادرسی عادلانه را به شرح موصوف در خود جای داده است، پیشنهاد می‌شود نظام حقوقی ایران در سیر تکاملی خود اجزای مؤلف نظام حقوقی مدرن را در خود بپروراند و در این مسیر به رغم تفاوت‌های نهادی و ماهوی میان نظام حقوقی ایران و انگلستان، در مقوله حق‌های رویه‌ای که وابسته به شرایط خاص بومی نیستند، از نظام حقوقی و تجارب کشور انگلستان بهره‌برداری نماید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

فهرست منابع

۱. راسخ، محمد، (۱۳۹۳). حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش). تهران: نی.

۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۹۵). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم. تهران: شهر دانش.

۳. محمدی، مختار، (۱۳۹۲). مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای رسیدگی به تخلفات اداری. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۴. یاوری، اسدالله، (۱۳۸۳). حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین. فصلنامه حقوق اساسی، ۲.

Books and Articles

1. Council of Europe. (1996). Administration and You: Principles of Administrative Law Concerning the Relations between Administrative Authorities and Private Persons - A Handbook. Strasbourg: Council of Europe.
2. Council of Europe/ European Court of Human Rights. (2014). Guide on Article 6 of the Convention
3. Dovydas, V., and Grigoriy, D. (2012). Protecting the Right to a Fair Trial under the European Convention on Human Right, Human Rights Handbooks, Strasbourg: Council of Europe
4. European Court of Human Rights, (2007-2016), Reports of judgments and decisions, available in: http:// www. echr. coe.int/ Pages/ home.aspx? p=caselaw&c= #n14623554475330710737296_pointer.
5. Folke Bernadotte Academy (FBA) and Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). (2013). Monitoring Administrative Justice, Handbook, available at: www.osce.org/odihr, last visited: 2016, 28, 6.
6. Nowak, M. (1993). UN Convention on Civil and Political Rights: CCPR Commentary. NP Engel, Engel publisher, Strasbourg.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

Documents

1. Civil Service Code (2013)
2. Constitutional Reform and Governance Act (2010)
3. European Convention Protection Human Rights and Fundamental Freedoms(1950)
4. European Treaty Series - No. 117-Human Rights (Protocol No. 7), 22.XI.1984
5. General Comment No. 13. Equality before the court and tribunals and the right to a fair and public hearing by an independent curt established by law (Art. 14) 13/4/84.
6. General Comment No. 32, on 'Article 14: Right to equality before the court and tribunals and the right to a fair trial', United Nations Human Rights Committee, note 42, section III, available at: https:// www1.umn.edu/humanrts/gencomm/ hrcom32.html, last visited: 2016, 28, 6.
7. General Comment No. 18 on non-discrimination", Office of the High Commissioner for Human Rights, 10 November 1989,, last visited: 2016,28,6.
8. Human Rights Act)1998)
9. International Covenant on Civil and Political Rights (1996)
10. Legal Aid, Sentencing and Punishment of Offenders Act (2012)
11. Recommendation CM /Rec (2012), 11 of the Committee of Ministers to member States on the role of public
12. Recommendation Rec. (2004). 20, of the Committee of Ministers to member states on judicial review of administrative acts", Council of Europe, 15 December 2004. note 5, p. 12.
13. The Advisory, Conciliation and Arbitration Service Code (ACAS), 2015.

Cases

14. v United Kingdom, ECtHR, 17 December 2002, paras 96-97.
15. Bertuzzi v. France, ECtHR, 13 February 2003, para 23.
16. De Geouffre de la Pradelle v France, ECtHR, 16 December 1992, paras 34-35
17. Doorson v the Netherlands, ECtHR, 26 March 1996, para 70
18. Dory v Sweden, ECtHR, 12 November 2002, paras 37-40.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]

19. Fretté v France, ECtHR, 26 February 2002, para 47.
20. Håkansson and Sturesson v Sweden, ECtHR, 21 February 1990, para 67.
21. König v Germany, ECtHR, 28 June 1978, para 99
22. Kreuz v Poland, ECtHR, 19 June 2001, para 67.
23. M.noz Hermoza v Peru, HRC Communication 203/1986, UN Doc CCPR/C/ 34/D/ 203/1986, para 11.3.
24. Mirilashvili v Russia, ECtHR, 11 December 2008, para 202
25. Schuler-Zgraggen v Switzerland, ECtHR, 24 June 1993, para 58.
26. Steel and Morris v. United Kingdom, ECtHR, 15 February 2005, para 59-72.
27. Toonen v Australia, HRC Communication No. 488/1992
28. Van Meurs v The Netherlands, HRC Communication 215/1986, UN Doc CCPR/ C/ 39/ D/ 215/ 1986,
29. Van der Mussele v Belgium, ECtHR, 23 November 1983, paras 29-30.
30. Vilho Eskelinen and Others v Finland, ECtHR, 19 April 2007, para 66
31. visaari v Finland, ECtHR, 27 September 2001, para 30
32. Waite and Kennedy v Germany, ECtHR, 18 February 1999, para 59.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.27.191]